

درس فارج اصول استاد حاج سید مجتبی نوامفیدی

تاریخ: ۱۳۸۹ آبان ۲۹

موضوع کلی: جاعل حکم شرعی

مصادف: ۱۴۳۱ ذی الحجه

موضوع جزئی: ۲- پیامبر اکرم(ص)

جلسه: ۳۱

تدوین: رضا سیدآبادی

«اَكَمَدَ اللّٰهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ وَاللّٰعِنُ عَلٰى اَعْدَاءِهِمْ لِمَ جَعَلَ مُحَمَّدًا مَعِينَ»

خلاصه بحث گذشته:

با توجه به تعطیلات مدتی بین بحث ما فاصله افتاده و باید اشاره ای به بحث گذشته داشته باشیم . بحث ما در این بود که جاعل حکم شرعی کیست؟ گفتیم قطعاً خداوند تبارک و تعالیٰ جاعل است و حکم شرعی را خود خداوند تبارک و تعالیٰ جعل می کند و در مورد پیامبر(ص) هم عرض کردیم که به استناد آیات و روایاتی می توانیم پیامبر (ص) را جاعل حکم شرعی به حساب آوریم .

ولی این مقام جعل حکم شرعی بالاصالة برای پیامبر(ص) ثابت نیست چون جعل حکم مربوط به کسی که دارای ولایت باشد و ولایت منحصر در خدا است پس جعل حکم هم منحصراً در خداوند است و او است که ولی و خالق این عالم است و تنها او حق امر و نهی و دستور دارد مگر اینکه خداوند تبارک و تعالیٰ به دیگری این اذن را اعطا کند که او هم بتواند حکم شرعی را جعل کند یا این حق را تفویض کند. بحث ما در همین تفویض جعل به پیامبر(ص) بود که بعضی از آیات را ذکر کردیم.

اما بحث جلسه گذشته در روایات بود و گفتیم روایات را می توان به شش طایفه بحسب تعبیری که در آنها ذکر شده تقسیم کرد. اما این تقسیم بندی الزاماً به این معنا نیست که چند طائفه مستقل باشد چون بعضًا قابل ارجاع به یکدیگر هستند ولی عمدۀ این است که تعبیر با هم متفاوت است.

در دسته اول از روایات تفویض به نحو مطلق ذکر شده و نفهمده که چه چیزی تفویض شده؛ این روایات عبارت بودند از روایت اول، دوم، هشتم و نهم «باب التفویض الی رسول الله و الی الائمه علیهم السلام فی امر الدین»؛ این چهار روایت مورد بررسی قرار گرفت.

در دسته دوم روایاتی بیان شد که در آنها تصریح شده امر خلق به پیامبر(ص) تفویض شده تا چگونگی اطاعت آنها معلوم شود.

دسته سوم:

اما دسته سوم روایاتی است که در آن تصریح شده که امر دین به پیامبر تفویض شده، روایت ششم این باب که دارای سند خوبی است که عبارت است از: «محمد بن یحیی، عن احمد بن محمد، عن محمد بن سنان، عن إسحاق بن عمار، عن أبي عبد الله (علیه السلام) قال: إن الله تبارک وتعالی أدب نبیه (صلی الله علیه وآلہ) فلما انتهى به إلی ما أراد، قال له: "إِنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ" ففَوْضَ إِلَيْهِ دِينَهُ فَقَالَ: "وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخَذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا" وإن الله عزوجل فرض الفرائض ولم

یقsm للجـ شـ وـ إـ رـ سـ عـ (صـ عـ لـ عـ وـ آـ) أـ طـ عـمـهـ السـدـسـ فـأـ جـازـ اللـهـ جـلـ ذـكـرـ لـهـ ذـلـكـ، وـذـلـكـ قـوـلـ اللـهـ عـزـوـجـلـ: "هـذا عـطـاؤـنـا فـامـنـ أـوـ أـمـسـكـ بـغـيرـ حـسـابـ" ^۱

مـحـلـ بـحـثـ مـاـ «ـفـفـوـضـ الـيـهـ دـيـنـ»ـ اـسـتـ كـهـ تـعـبـيرـ بـهـ تـفـويـضـ درـ دـيـنـ آـمـدـهـ، مـحـلـ بـحـثـ مـاـ دـرـ اـيـنـ دـسـتـهـ ذـيـلـ رـوـاـيـتـ نـيـسـتـ چـونـ ذـيـلـ رـوـاـيـتـ مـرـبـوـطـ بـهـ دـسـتـهـ بـعـدـىـ اـسـتـ كـهـ آـنـ رـاـذـكـرـ خـواـهـيمـ کـرـدـ.

دـسـتـهـ چـهـارـ:

طـائـفـهـ چـهـارـ رـوـاـيـاتـیـ اـسـتـ كـهـ تـصـرـيـحـ مـیـ کـنـدـ اـمـرـ دـيـنـ وـ اـمـتـ بـهـ پـیـامـبـرـ تـفـويـضـ شـدـهـ تـاـ اـمـورـ بـنـ گـانـ رـاـ تـدـبـیرـ وـ سـيـاسـتـ کـنـدـ. درـ رـوـاـيـتـ چـهـارـ هـمـاـنـ بـابـ آـمـدـهـ: عـلـیـ بـنـ إـبـرـاهـیـمـ، عـنـ أـبـیـ عـمـیـرـ، عـنـ عـمـرـ بـنـ اـذـینـةـ. عـنـ فـضـیـلـ بـنـ یـمـارـ قـالـ: سـمعـتـ أـبـاـ عـبـدـ اللـهـ (عـلـیـهـ السـلـامـ) يـقـولـ لـبعـضـ أـصـحـابـ قـیـسـ الـماـصـرـ: إـنـ اللـهـ عـزـوـجـلـ أـدـبـ نـبـیـهـ فـأـحـسـنـ أـدـبـهـ فـلـمـاـ أـكـملـ لـهـ الـادـبـ قـالـ: "إـنـکـ لـعـلـیـ خـلـقـ عـظـیـمـ"ـ، ثـمـ فـوـضـ إـلـیـهـ أـمـرـ الدـیـنـ وـالـاـمـةـ لـیـسـوـسـ عـبـادـ، فـقـالـ عـزـوـجـلـ: "مـاـ آـتـاـکـ الرـسـوـلـ فـخـذـوـهـ وـمـاـ نـهـاـکـمـ عـنـهـ فـانـتـهـوـاـ"ـ وـإـنـ رـسـوـلـ اللـهـ (صـلـیـ اللـهـ عـلـیـهـ وـآـلـهـ وـسـلـیـلـهـ)ـ کـانـ مـسـدـداـ مـوـقـقاـ مـؤـیدـاـ بـرـوحـ الـقـدـسـ، لـاـ يـزـلـ وـلـاـ يـخـطـئـ فـیـ شـئـ مـاـ یـسـوـسـ بـهـ الـخـلـقـ، فـتـأـدـبـ بـآـدـابـ اللـهـ...ـ" ^۲

ایـنـ نـکـتـهـ خـیـلـیـ مـهـمـیـ اـسـتـ کـهـ قـبـلـ اـزـ تـفـويـضـ اـشـارـهـ مـیـ شـوـدـ کـهـ خـداـونـدـ پـیـامـبـرـشـ رـاـ تـرـبـیـتـ کـرـدـ وـ اـدـبـ اوـ رـاـ نـیـکـوـ گـرـدانـدـ هـمـچـنـینـ اـسـتـنـادـ مـیـ شـوـدـ بـآـیـهـ شـرـیـفـهـ «ـإـنـکـ لـعـلـیـ خـلـقـ عـظـیـمـ»ـ، پـسـ اـوـلـ پـیـامـبـرـ(صـ)ـ بـهـ لـطـفـ الـهـیـ اـیـنـ شـایـسـگـیـ رـاـ پـیدـاـ کـرـدـ بـعـدـ اـمـرـ دـيـنـ وـ اـمـتـ بـهـ اوـ تـفـويـضـ شـدـ تـاـ اـمـرـ عـبـادـ رـاـ سـيـاسـتـ کـنـدـ.

وـ اـدـامـهـ حـدـیـثـ هـمـ مـرـبـوـطـ مـیـ شـوـدـ بـهـ دـسـتـهـ پـنـجمـ اـزـ رـوـاـيـاتـ کـهـ درـ جـایـ خـودـ آـنـ رـاـ مـوـرـدـ بـحـثـ قـرـارـ خـواـهـيمـ دـادـ. پـسـ دـسـتـهـ چـهـارـ رـوـاـيـاتـیـ اـسـتـ کـهـ تـصـرـيـحـ مـیـ کـنـدـ بـهـ اـینـکـهـ اـمـرـ دـيـنـ وـ اـمـتـ بـهـ پـیـامـبـرـ(صـ)ـ تـفـويـضـ شـدـهـ تـاـ بـتوـانـدـ بـنـ گـانـ رـاـ تـدـبـیرـ کـنـدـ.

دـسـتـهـ پـنـجمـ:

درـ بـعـضـیـ اـزـ رـوـاـيـاتـ قـفـطـ وـضـعـ وـ جـعـلـ رـاـ بـرـایـ پـیـامـبـرـ(صـ)ـ ذـکـرـ کـرـدـ کـهـ سـابـقـهـ جـعـلـ هـمـ نـدـاشـتـهـ وـ پـیـغمـبـرـ اـقـدامـ بـهـ جـعـلـ کـرـدـهـ. اـینـجـاـ سـخـنـیـ اـزـ تـفـويـضـ نـیـسـتـ.

۱- درـ رـوـاـيـاتـ هـفـتـمـ اـیـنـ چـنـینـ آـمـدـهـ: «ـالـحـسـنـ بـنـ مـحـمـدـ، عـنـ مـعـلـیـ بـنـ مـحـمـدـ، عـنـ الـوـشـاءـ، عـنـ حـمـادـ بـنـ عـثـمـانـ، عـنـ زـرـارـةـ، عـنـ أـبـیـ جـعـفرـ (عـلـیـهـ السـلـامـ)ـ قـالـ: وـضـعـ رـسـوـلـ اللـهـ صـلـیـ اللـهـ عـلـیـهـ آـلـهـ دـیـةـ الـعـینـ وـدـیـةـ الـنـفـسـ وـحـرـمـ النـبـیـذـ وـکـلـ مـسـکـرـ، فـقـالـ لـهـ رـجـلـ: وـضـعـ رـسـوـلـ اللـهـ (صـلـیـ اللـهـ عـلـیـهـ وـآـلـهـ وـسـلـیـلـهـ)ـ مـنـ غـیرـ أـنـ يـکـونـ جـاءـ فـیـهـ شـئـ؟ـ قـالـ: نـعـمـ لـیـعـلـمـ مـنـ يـطـعـ الرـسـوـلـ مـمـنـ يـعـصـیـهـ». کـهـ اـصـلـ دـیـهـ چـشـمـ وـ نـفـسـ درـ قـرـآنـ آـمـدـهـ اـمـاـ اـیـنـ پـیـامـبـرـ(صـ)ـ اـسـتـ کـهـ مـقـدارـ آـنـ رـاـ جـعـلـ وـ مـعـینـ کـرـدـهـ اـسـتـ . هـمـچـنـینـ درـ قـرـآنـ فـقـطـ حـرـمـتـ خـمـرـ بـیـانـ شـدـهـ اـمـاـ حـرـمـتـ نـبـیـذـ یـعـنـیـ شـرـابـیـ کـهـ اـزـ کـشـمـشـ اـخـذـ شـدـهـ وـ حـرـمـتـ هـرـ مـسـکـرـیـ توـسـطـ پـیـغمـبـرـ بـیـانـ شـدـهـ. درـ اـدـامـهـ حـدـیـثـ سـوـالـ مـیـ شـوـدـ کـهـ آـلـیـ پـیـغمـبـرـ خـوـدـشـ بـدـوـنـ اـیـنـکـهـ چـیـزـ آـمـدـهـ باـشـدـ وـضـعـ کـرـدـهـ؟ـ کـهـ اـمـامـ (عـ)ـ مـیـ - فـرـمـایـدـ بـلـهـ؛ـ تـاـ مـطـیـعـ وـ عـاصـیـ نـسـبـتـ بـهـ پـیـغمـبـرـ مشـخـصـ شـوـدـ.

^۱. کـافـیـ، جـ ۱ـ، صـ ۲۶۷ـ

^۲. کـافـیـ، جـ ۱ـ، صـ ۲۶۶ـ

سؤال: این سخن که پیامبر بدون اینکه در قرآن چیزی آمده باشد می تواند جعل کند با این سخن امام رضا (ع) که می فرماید هر حدیثی که از ما شنیدید بپرسیم از کجا قرآن آمده منافات دارد؟

استاد: اینکه گفته شده غیر از قرآن چیزی نمی گوییم یعنی اینکه از چهار چوب قرآن خارج نمی شویم و قرآن به منزله یک چارچوبی برای همه چیز است و به عنوان قانون اساسی است اما این همه جزئیات در کلام ائمه(ع) هست که در قرآن بیان نشده، پس این جعل و وضع پیامبر با قرآن منافاتی ندارد بلکه پیامبر تکمیل کرده و همچنین در ادامه حدیث چهارم که شاهد مثال این دسته هم هست آمده «فأجاز الله عزوجل له ذلك» از طرف دیگر عقیده ما این است که معصومین با اذن خداوند تبارک و تعالی و بر اساس علمی که دارند آن جزئیات را جعل و بیان می کنند و الا این منظور نیست که ائمه من عند انفسهم سخنی بگویند.

آن چیزی که در این جعل و وضع مهم است این است که بر خلاف قرآن نباشد، در حدیث هم آمده مخالف قرآن را بر جدار بکویید. پس به شرط اینکه مخالف قرآن نباشد هیچ معنی از جعل و منافاتی در روایات نیست.

۲- همچنین برای این دسته پنجم ذیل روایت ششم که بحثش گذشت را می توان به عنوان شاهد ذکر کرد . «و إن الله عزوجل فرض الفرائض ولم يقسم للجد شيئا وإن رسول الله (صلى الله عليه وآله) أطعمه السادس فأجاز الله جل ذكره له ذلك» که خداوند تبارک و تعالی فرائض را تقسیم کرد ولی برای جد چیزی قرار نداد و پیغمبر (ص) سهمی را برای جد جعل کرد. این هم نشان می دهد که وضع و جعل رسول الله تحقق پیدا کرده در حالی که قبلش چیزی نبود.

۳- همچنین ذیل روایت چهارم باین تعبیر آمده: «ثم إن الله عزوجل فرض الصلاة ركعتين، ركعتين عشر ركعات فأضاف رسول الله (صلى الله عليه وآله) إلى الركعتين ركعتين وإلى المغرب ركعة فصارت عديل الفريضة لا يجوز تركهن إلا في سفر وأفرد الركعة في المغرب فتركها قائمة في السفر والحضر فأجاز الله عزوجل له ذلك فصارت الفريضة سبع عشرة ركعة، ثم سن رسول الله (صلى الله عليه وآله) النوافل أربعاً وثلاثين ركعة مثل الفريضة فأجاز الله عزوجل له ذلك والفربيضة والنافلة إحدى وخمسون ركعة منها ركعتان بعد العتمة جالساً تعد برکعة مكان الوتر وفرض الله في السنة صوم شهر رمضان وسن رسول الله (صلى الله عليه وآله) صوم شعبان وثلاث أيام في كل شهر مثل الفريضة فأجاز الله عزوجل له ذلك وحرم الله عزوجل الخمر بعينها وحرم رسول الله (صلى الله عليه وآله) المسکر من كل شراب فأجاز الله له ذلك كله وعاف رسول الله (صلى الله عليه وآله) أشياء وکرهها ولم ينه عنها نهى حرام إنما نهى عنها نهى اعفة وکراهة، ثم رخص فيها»^۱ الحدیث. در این حدیث موارد متعددی ذکر شده که پیامبر جعل کرده، از قبیل اینکه دو رکعت به نمازهای ظهر و عصر و یک رکعت به نماز مغرب اضافه کردند و همچنین در مورد روزه های مستحب و مواردی از این قبیل که در جلسه آینده به بررسی آن خواهیم پرداخت.

^۱. همان